



این مقاله به سفارش موسسه دموکراسی و توسعه افغانستان و انستیتوت دیجیتالی جامعه مدنی-آزادی تهیه شده است

قتل‌های هدفمند و زنجیره‌ای زیر حاکمیت طالبان

نگارنده: ¹حمزه و ²احمد

1-2 تحلیل گران امورات سیاسی

چکیده

در تحقیق حاضر، به تحلیل قتل‌های هدفمند و زنجیره‌ای در افغانستان بعد از حاکمیت طالبان با استفاده از داده‌های گردآوری شده از کتب، ژورنال‌های معتبر ملی و بین‌المللی و گزارشات رسانه‌ای توسط روش مختلط (کمی و کیفی) تحقیق پرداخته و مورد آزمون تجربی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق بیانگر موجودیت بیشتری از قتل‌های هدفمند و زنجیره‌ای در افغانستان می‌باشد. و یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بعد از حاکمیت طالبان در افغانستان این قتل‌های سه برابر افزایش یافته است و بناء بر نگرانی‌های متعددی از قتل‌های زنجیره‌ای افراد مرتبط به جامعه مدنی، فعالان حقوق بشر، نظامیان حکومت پیشین و سایر فعالین در جامعه از کشور هجرت نموده یا هم در حال مهاجر شدن است. در نتیجه یافته‌های تحقیق حاضر به دولت کنونی به عنوان یک راه حل پیشنهاد می‌نماید که از طریق طراحی قوانین و با رعایت قوانین بشری ملی و بین‌المللی از این گونه قتل‌ها جلوگیری نماید.

واژه‌های کلیدی: ترور، قتل هدفمند، مخاصمات مسلحانه و ماموریت نظام

Abstract: In the present study, targeted and systematic killings in Afghanistan after the Taliban's rule have been analyzed using data collected from reputable national and international books, journals, media reports and a mixed (quantitative and qualitative) method has been applied. The findings of this research indicate a higher prevalence of targeted and systematic killings in Afghanistan. The study shows that after the Taliban's rule, these killings have tripled, causing concern among various groups such as civil society members, human rights activists, former government officials, military personnel, and other members of society, leading to migration or attempts to migrate from the country. Consequently, the current government is suggested to address this issue by designing laws and abiding by national and international human rights laws to prevent such killings.

Keywords: Assassination, Targeted Killing, Armed Conflicts, and Military Missions

مقدمه

ترور هدفمند و مسئله قانونی یا غیرقانونی بودن آن، به یکی از مباحث مطرح در جامعه بین‌المللی بدل گردیده است. این موضوع علاوه بر حوزه سیاست، در حقوق بین‌الملل بشردوستانه یا همان حقوق مخاصمات مسلحانه نیز مورد توجه قرار گرفته است (سرتیپی، بردبار، & موسی زاده، 1391). در حقیقت ترور هدفمند و زنجیره‌ای پدیده بدیعی در عالم واقع و یا به عنوان یک موضوع حقوقی جدید نمی باشد، بلکه در طول تاریخ همواره برخی دولت ها با افرادی که به منزله دشمن عمومی یا خصوصی برای آنها قلمداد می شوند، به مقابله پرداخته اند و آثار متعددی در این رابطه به رشته تحریر درآمده است. در طول نیمه دوم قرن بیستم، بحث در مورد ترور هدفمند دولتی غالباً متمرکز شد بر اقدامات انجام شده توسط مأموران بخش های نظامی مخفی که در جریان جنگ سرد و نیز در طی مخاصمه اعراب رژیم صهیونیستی محقق گردید. با توجه به تردیدی که در مشروعیت چنین اقداماتی وجود داشت، این اقدامات تا حد زیادی پنهان و مخفی گردید (Cassese, 2007). در همین زمان تلاش هایی از جانب مخالفان برخی دولت ها یا نظام های سیاسی انجام گرفت، از جمله: گروگان گیری، هواپیماربابی و بمباران برای اهداف سیاسی نظیر تحرکات ایرلند شمالی و آشوب های انجام گرفته در ایتالیا و آلمان و نیز تلاش های پیهم برای سرکوب مخالفان دولت افغانستان از چهل سال به دینسو که چالش هایی را برای مقابله با آنها مطرح نمود. در نتیجه، برخی دولت ها بخش هایی برای مقابله، در نیروهای امنیتی خود ایجاد نمودند. با این وجود، تاکنون مشروعیت ترورهای هدفمند در سطح وسیع مورد انتقاد قرار گرفته است و از آن به عنوان پدیده ای یاد کرده اند که خود منجر به تبانی، فساد و اقدامات خودسرانه می شود. بیشترین چالش های مطرح در مورد ترور هدفمند از منظر حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بوده است، زیرا در واقع آنچه هدف گرفته می شود حیات افراد بشر است که مهم ترین و اساسی ترین حق انسانی و بشری قلمداد می شود و هدف اصلی و اولیه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه نیز حمایت از آن و جلوگیری از ورود خسارت یا آسیب شدید به آن است (حسینی اکبر نژاد & حسینی اکبر نژاد، 1393). همچنین گرچه در سال های اخیر سیاست کشتار هدفمند، به عنوان راهبردی نوین در حمله علیه تروریست ها، چالش هایی اساسی در زمینه حقوق بین‌الملل بشردوستانه ایجاد کرده است، در همین رابطه، در حالی که برخی از مفسرین این راهبرد نوین را ابزاری اساسی و مؤثر در مبارزه علیه تروریسم تلقی می کنند، عده ای دیگر نظر به غیراخلاقی و غیرقانونی بودن، توسل به آن دارند (colonel & M.Cullen, 2007)

قتل هدفمند به استفاده عامدانه و توأم با برنامه ریزی قبلی از قوای کشنده علیه شخصی اطلاق می گردد که قبلاً محاکمه نشده باشد (Melzer, 2008). اما در این تعریف، از بیان مباشر عمل یعنی مأموران دولتی، غفلت شده است. در واقع قتل هدفمند به عملیاتی اطلاق می شود که در آن افراد به صورتی عامدانه توسط نیروهای دولتی به قتل می رسند و فرد خاصی را نمی توان به اتهام ارتکاب به این عمل پای میز محاکمه کشاند (آهنی، محمد، & محمدجواد، 1391). قتل هدفمند یکی از اقسام ترور محسوب می گردد زیرا مقتول به صورتی غافلگیرانه کشته می شود. قتل هدفمند به استفاده از زور برای کشتن فرد یا افرادی اطلاق می گردد که خطری مهم و فوژی علیه یک شور محسوب می شوند و راه دیگری برای بازداشتن او از اعمال این تهدید، وجود ندارد. عناصر قتل هدفمند را تحت عنوان مقتول و جهت امحاء تهدید شمرده می شود. مقتول،

تروریستی است که به جان و حیات اتباع و شهروندان یک دولت، آسیب وارد کرده و یا ممکن است به زودی وارد کند. جهت امحاء این تهدید، هیچ راهکار دیگری مانند دستگیری و بازداشت در دسترس نبوده و یا امکان پذیر نیست و برای رفع تهدید، از زور استفاده و تروریست موردنظر کشته می شود.

بنا بر این لازم است موارد اعمال سیاست قتل هدفمند را از مواردی همچون استفاده از زور توسط پولیس برای دستگیری یک شرور و جانی و یا موارد توسل به زور توسط نظامیان در جبهه های جنگ علیه سربازان دشمن، تفکیک نمود.

با توجه به مباحث فوق مساله اساسی این است که، قتل های زنجیره ای و هدفمند بعد از تسلط طالبان بر افغانستان از چگونه روند (افزایش یا کاهش) برخوردار بوده؟ به چه میزان در مورد حقوق بشر مورد نقض قرار گرفته است؟ در این تحقیق سعی شده است تا بعد از تحلیل مسایل به سوالات مطرح شده پاسخ های دقیق و مقرون به حقیقت ارائه گردد. همچنین در تحقیق حاضر سعی شده است که در کشور عزیزمان افغانستان بعد از تسلط طالبان بر کشور موضوع کشتار هدفمند و زنجیره ای در قالب شرایط منازعات مسلحانه و غیرمسلحانه تحلیل و بررسی شود. در این تحقیق مباحث در سه بخش تنظیم شده است که، بخش اول آن مرتبط با پیشینه تحقیق؛ بخش دوم آن مرتبط به تحلیل و تجزیه داده های تحقیق و بخش سوم مرتبط به نتیجه گیری و سفارشات می باشد.

پیشینه تحقیق

به نقل از پروفیسور مارک (2009) به طور کلی، کشتن یا به قتل رساندن یک مخالف یا یک شخصیت معروف، ابزاری قدیمی برای کسب قدرت به شمار می آید و پیشینه آن به تمدن های باستانی و زندگی قبیله ای در سراسر دنیا برمی گردد. در تمدن های باستان، این اقدام ذاتاً امری مقبول تلقی شده است. ایجاد حرکت فکری از مباح بودن این عمل به سمت حرمت آن، در اروپا به سال 1550 م و پیدایش مفهوم Nation State باز می گردد. این ممنوعیت در اثر اختراع وسایل ارتباط جمعی و حذف مرزهای اطلاعاتی، گسترش یافت و تنها در زمان جنگ و آن هم نسبت به فرد متخاصم نظامی و نه غیرنظامی عملی مجاز تلقی شده و در زمان صلح ممنوع اعلام شد. اما از نظر تاریخی، عملیات های هدفمند را می توان در سه دوره تاریخ باستان، تاریخ تمدن و تاریخ پست مدرن یافت.

بررسی قتل زنجیره ای و هدفمند در دور باستانی در یکی از قدیمی ترین کتب هندی، به طور مفصل به موضوع ترور هدفمند و حشاشی گری پرداخته شده است. چانداراگوپتا¹ مؤسس امپراطوری ماتوریا² تحت تاثیر تعالیم این کتاب، از روش های ترور و وحشیگری علیه دشمنان خود از جمله دو جنرال معروف اسکندر نیکانور³ و فیلیپ⁴ استفاده کرد. در حدود سه قرن قبل

¹ Chandragupta Maurya

² Maurya Empire

³ Nicanor

⁴ Phillip

از میلاد مسیح و مقارن با پایان (عصر دولت های جنگجو⁵) دولت (کین⁶) سلطه خویش را به سایر دولت ها تحمیل کرد. به این ترتیب ان روند در اکثریت از کشورها تا قرون وسطی ادامه داشت (سرتیپی، بردبار، & موسی زاده، 1391).

بررسی تاریخ مدرن ترور هدفمند یا هم با پیدایش مفهوم مدرن دولت- ملت، آغاز شده و در دو بخش قبل از جنگ جهانی دوم و بعد از آن (جنگ سرد) قابل بررسی است. به دنبال تحول در مفهوم حاکمیت، برخوردهای سیاسی در جهان رشد بی سابقه ای یافتند. قبل از جنگ جهانی اول، تنها در روسیه در طی 200 سال، پنج امپراطور ترور شدند⁷. در آمریکا علاوه بر آبراهام لینکلن، سه رئیس جمهور نیز ترور شدند. در اروپا ترور ناگهانی آرچدک فرانز فردیناند توسط یک ملی گرای صرب سبب افروخته شدن آتش جنگ اول جهانی شد. بعد از جنگ جهانی اول شاهد اولین دولت های هستیم که درصدد ترور دشمنان کشور برمی آیند. به گونه مثال در خلال جنگ جهانی دوم، گروه کارگران چکسلواکی ها که به وسیله سرویس اطلاعات خارجی بریتانیا آموزش دیده بودند، توانست جنرال نازی رینهاردهایدیش⁸ را به قتل برساند. به همین ترتیب در این دوره به نظر می رسد که سازمان های جاسوسی و اطلاعاتی کشورها، به تربیت و آموزش ترورکنندگان زنده پرداخته اند. بعد از این دور تاریخ پست مدرن که از اول قرن بیست و یکم آغاز شده است نیز شاهد ترورهای هدفمند و زنجیره ای بود. اگر در دوره قبل دولت ها آشکارا دست به ترور نزده و این کار عمدتاً توسط سازمان های تروریستی صورت می گرفت، اما در این برهه (عمدتاً بعد از سال 2000 میلادی) دولت ها به طور آشکار دست به چنین عملی می زنند.

تحلیل داده ها و یافته های تحقیق

در افغانستان پس از سال 2021 قتل های هدفمند و زنجیره ای به اندازه ای که انتظار می رفت کاهش نیافته است. در افغانستان این گونه قتل ها برخی اوقات برای انتقام گرفتن از فعالان سیاسی، نهادهای دولتی، فعالان مدنی و سایر اقدار جامعه انجام شده اند. به نقل از بی بی سی این حوادث عمدتاً توسط گروه های مسلح، افراد تکفیری، داعش و ... انجام شده اند.

به نقل از بی بی سی برخی از مثال های که از قتل های زنجیره ای و هدفمند ارایه شده است عبارت از: قتل سه (3) نوجوان دختر هفده ساله در ولایت ننگرهار که از سوی افراد ناشناس به خاطر اینکه به مکتب می رفتند به قتل رسیدند؛ ترور عبدالله واعظ زعیم جامعه دفاع از حقوق انسانی در کشور که به نظر می رسید توسط داعش انجام شده است.

به نقل از رادیو آزادی مؤرخ چهارم ماه عقرب سال 1401 فعال جامعه مدنی به نام فروزان صافی در ولایت بلخ به گونه مرموزی از بین رفته که تا کنون روشن نیست چه کسی و یا گروهی در عقب آن قرار دارد. ولی این در آن تاریخ تنها مرک صافی نبود بلکه به تاریخ 14 ماه عقرب سنخگوی دول طالبان تایید کرد که چهار زن به شمول فروزان صافی کشته شده است. اعضای خانواده فروزان صافی در پاسخ به پرسش رادیو آزادی که آیا می داند چه کسانی دختر او را به قتل رسانیده اند؟ پاسخ

⁵ The Warring State Period

⁶ Qin shi Huang

⁷ این امپراطوران شامل ایوان ششم، پیتر سوم، پل اول، الکساندر دوم و نیکلاس دوم (همراه همسر و چهار دختر و تنها پسرش) ترور شدند.

⁸ Reinhard Heydrich

مبهمی می دهد، او می افزاید دخترم از سوی افراد مسلحی کشته شده است و هیچ احساس مسؤلیتی برای بررسی چگونگی این رویداد وجود ندارد. از این ادعا پدر فروزان صافی معلوم می شود که در این قتل نیز به شکل از اشکال افراد مرتبط به نظام کنونی دخیل بوده است. همزمان به پیدا شدن اجساد فروزان صافی و سه زن همراهش، جسد های یک زن نظامی با دو مرد نظامی دولت قبلی از مزارشریف نیز دریافت شده است. پیشتر از این به نقل از رادیو آزادی پولیس زن در نظام قبلی در میانه های ماه سنبله سال 1400 در ولایت غور به گونه مرموز به گلوله بسته شد.

بر اساس گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر در افغانستان، نعیم نظری معاون این کمیسیون به تاریخ 8 دلو سال 1400 در یک نشست خبری از افزایش ترورهای هدفمند اظهار نگرانی کرد. بر مبنی این گزارش تلفات هدفمند و زنجیره ای در سال 1400 نظر به سال قبل بعد از حاکمیت طالبان سه برابر افزایش یافته است، که این رقم 169 درصد نظر به سال قبل افزایش این قتل های زنجیره ای را نشان می دهد. به نقل یافته های گزارش کمیسیون حقوق بشر در سال 1399 به تعداد 834 فرد در نتیجه ترورهای هدفمند کشته و زخمی شده بودند، اما در سال 1400 بعد از حاکمیت طالبان تعداد قربانیان قتل های زنجیره ای و هدفمند به 2250 تن افزایش یافته است، که شامل 1078 کشته و 1172 زخمی می باشد.

همچنین به اساس یافته های گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر در سال 1400 بعد از حاکمیت حکومت جدید در افغانستان به تعداد 8500 تن غیر نظامیان کشته و زخمی شدند که 2985 کشته و 5542 تن آن زخمی شدند. این کمیسیون حمله با بمب های مقناطیسی، ترورهای هدفمند و زنجیره ای، بمب گذاری کنترجاده ای، حملات راکتی، حملات انتحاری و عملیاتی زمینی را از عوامل اصلی این تلفات دانسته شده است.

همچنین کمیسیون مستقل حقوق بشر با اشاره به نهاد حمایت از رسانه های آزاد "تی" می گوید که در سال 1400 بعد از حاکمیت طالبان 81 مورد قتل ها و حملات هدفمند تنها در برابر کامندان رسانه ها انجام و ثبت شده است که دولت طالبان به آن رسیدگی درست نکرده است. در این سال 11 خبرنگار کشته و متباقی آنان زخم برداشته است که اکثریت اینها توسط افراد طالبان صورت گرفته است. بر اساس گزارشات کمیسیون حقوق بشر در ولایت جنوبی قندهار و نواحی ولسوالی های آن از 30 دلو سال 1400 تا 30 سنبله سال 1401 به تعداد 122 غیر نظامی در نتیجه ترورهای هدفمند کشته که از جمله آن هفت زن و 72 تن مرد بوده کشته شده است.

بر اساس گزارش حقوق بشر وزارت خارجه ایالات متحده امریکا که به تاریخ 2 حمل سال 1402 منتشر شده است در باره حقوق بشر گفته است که بر اساس گزارش ها، طالبان در سال 1402 در قتل های هدفمند و زنجیره ای مخالفان خود و در قتل های تلافی جویانه دست داشتند. در این گزارش، قتل های خودسرانه، ناپدید کردن اجباری، شکنجه، رفتار ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز توسط طالبان از موارد نقض حقوق بشر در سال 1402 در افغانستان گفته شده است. همچنین شرایط بدی نگهداری زندانیان، بازداشت خودسرانه، دخالت در حریم خصوصی، مجازات اعضای خانواده برای تخلفات احتمالی یکی از بستگان، استخدام و استفاده غیرقانونی از کودکان سرباز، محدودیت های جدی بر آزادی بیان و خشونت علیه خبرنگاران توسط طالبان و دخالت در آزادی های اجتماعی از دیگر موارد نقض حقوق بشر در افغانستان گفته شده است.

پس از اگست سال 2021 رهبر گروه طالبان عفو عمومی اعلام کرد که اقدامات تلافی جویانه، در برابر مخالفان خود و افراد مرتبط با دولت پیشین را ممنوع می کرد، اما در گزارش حقوق بشر وزارت خارجه امریکا آمده است که در سال 2022 گزارش های معتبری از اقدامات تلافی جویانه، از جمله قتل های هدفمند و ناپدید شدن وجود داشت. به گفته ای از اطلاعات روز و به نقل از حسن ادیب عزیرالله وفا ماستر ادبیات فارسی بعد از ظهر مؤرخ 6 حوت سال 1400 در دشت برچی با گلوله تفنگ داران ناشناس کشته شد. به گفته ادیب بعد از حاکمیت طالبان در برچی هر صبح که چشم از خواب باز می کنیم خبر می شویم که فلانی کشته شده است. وی می افزاید این کشتارهای هدفمند است و قاتلین گمنام، کسی ردیابی از قاتل نمی یابد و قاتلین همچنان در حریم امن خویش به سر می برند.

همین گونه قتل های زنجیره ای و هدفمند در افغانستان بعد از حاکمیت طالبان به عنوان یکی از مشکلات بزرگ در این کشور محسوب می شود. این قتل هایی هستند که به طور واضح با هدف کشتن یک گروه از افراد انجام می شوند. اغلب این قتل ها توسط گروه های مسلح، داعش و سایر گروه های افراطی صورت می گیرد.

یکی از مورد قابل توجه در این باره، حملاتی است که در پایان مارچ 2021 به دو بیمارستان در شهر کابل انجام یافت و 24 کشته و بیش از 100 زخمی بر جای گذاشت، این حملات و سایر حملات مانند اینها از جمله بزرگترین حملات هدفمند اخیر در کشور محسوب می شوند و جوانان بیشتری در این میان کشته شدند.

همچنین به نقل اکثریت رسانه های غیردولتی و به خصوص بیرونی در تشکیل دولت کنونی (طالبان) نیز افرادی وجود دارد که به این قتل ها دست می زند و سبب قتل های هدفمند و زنجیره ای در کشور می گردد. در ویدیو ای نشر شده توسط رسانه های داخلی در سپتامبر سال 2021 یکی از تعدادی از جوانان به زور از خانه خود بیرون کشیده شدند و به گونه بسیار وحشیانه و به دلیل ارتباط آنان به حکومت داکتر غنی تحقیر و بلاخره کشته شده اند. این عمل در افغانستان نشان دهنده ای آن است که مساله قتل های زنجیره ای و هدفمند، از محدودیت های قانونی و سایر طرز العمل های ثبت شده خارج است. این قتل ها همچنین در طور انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در سال 2021 رخ دادند. در یک حمله در شهر هرات در اواخر اکتوبر سال 2021 تقریباً 22 کارمند ارشد انتخاباتی کشته و 50 نفر دیگر زخمی شدند. تنش های سیاسی نزدیک به انتخابات و صدور حکم دیوان عالی برخی از دلایل این قتل های هدفمند بوده اند.

در عین حال، حملات هدفمند طالبان قبل از حاکمیت آنان بر افغانستان در برخی از مناطق زیر نظر سرشناس و متخصص محلی، همچون اجتماعات و مراسم عروسی، همچنین افرادی که به شدت مخالف خود را به حکومت شورای های هماهنگی اظهار کردند دیده شده است. در نتیجه به نظر می رسد قتل های زنجیره ای و هدفمند، یک چالش برای پایه ها و حکومت های پس از طالبان در افغانستان خواهد بود، با توجه به وضعیت غیرقابل پیشبینی در کشور، احتمالاً این قتل ها همچنان ادامه خواهند داشت و باعث بیشتر شدن نگرانی ها در اطراف جامعه خواهند شد.

همچنین قابل تذکر است که با ورود نیروهای امریکایی به افغانستان، شاهد شکل گیری یکی از بزرگترین و پیچیده ترین کارزارهای نظامی جهان شدیم، یکی از آثار بدیع این کارزار، افزایش روزافزون قتل های هدفمند و زنجیره در سرزمین

افغانستان بود. در افغانستان اکثریت این قتل‌ها به منظور تحقق اهداف سیاسی و نظامی بر روی شخصیت‌های برجسته و رهبران محلی و خارجی، افراد مرتبط با این شخصیت‌ها، جمعیت‌های بشری و حتی کودکان و زنان انجام یافته است.

پس از سال 2021 و رسیدن طالبان به قدرت این قتل‌های به شیوه‌های مختلف به حدی کافی کاهش نیافته است حتی در برخی مواقع افزایش نیز داشته است. به گونه‌ی مثال حملات جنگنده‌های امریکایی به هدف تروریست‌ها، قتل‌های هدفمند و زنجیره‌های نیز به اوج خود رسید و اینک افغان‌ها در هر نقطه‌ای از کشور با این خطر مواجه هستند. متأسفانه قربانیان این قتل‌ها در بیشتر مواقع به حقیقی و عدالت دسترسی ندارند و از طرف حکومت موجود (طالبان) نیز به آنان توجه کافی صورت نمی‌گیرد.

با پیروی از برنامه‌ای از قبل تعیین شده، امریکا پس از 20 سال حضور در افغانستان در ماه اگست سال 2021 به صورت کامل از این کشور خارج شد، تصمیمی که باعث افزایش جریان‌های نفوذی گروه‌های مختلف طالبان در کشور شده است. با فروپاشی قوای مسلح گروه‌های طالبان قدرت خود را در فضای این کشور تحکیم نمود و این خود دلیلی برای نگرانی‌ها و باور بیشتر به تبعیض در برخورد با حوادثی مانند قتل‌های زنجیره‌ای و هدفمند در نظامیان قبلی و جمعیت مهاجرین افغان در داخل و خارج از کشور شده است. با همین دلیل به نقل از گزارش بی‌بی‌سی تقریباً بعد از حاکمیت طالبان در حدود دو میلیون افغان به ویژه کسانی که دارای تخصص بوده افغانستان را ترک نموده و در حدود 3 میلیون دیگری در داخل افغانستان مهاجر شده است.

در حالی که عملکرد و رفتار طالبان پس از بازگشت به قدرت مورد انتقاد بسیاری از جوامع و نهادهای بین‌المللی قرار گرفته است، نگرانی از گسترش قتل‌های هدفمند و زنجیره‌ای برای جامعه افغانستان و به ویژه کسانی که در حکومت قبل از طالبان اشتراک داشت قابل درک است. با توجه به تجربه‌های گذشته و نحوه برخورد با کارشناسان حقوق بشر و فعالان آنها، تحریک‌های زیادی برای اقدامات انسان‌دوستانه و با هماهنگی دولت طالبان در جهت خلع‌بعیض و ارایه دادن حقوق اساسی برای همه جمعیت تا کنون نشان داده نشده است و همچنین این گونه قتل‌ها ادامه دارد. به نقل از بی‌بی‌سی قتل و ترور هدفمند مرسل نبی زاده یکی از اعضای پارلمان دولت قبلی که روز شنبه توسط افراد ناشناس مسلح در ساحه احمدشاه بابا از مربوطات حوزه 12 امنیتی شهر کابل به قتل رسید. خالد جدران سخنگوی قوماندانی امنیه طالبان برای کابل روز یکشنبه مورخ 15 جنوری مصادف با 25 جدی با فرستان پیامی با صدای امریکا این رویداد را تایید کرده است. همچنین در اواخر در ناحیه پنجم شهر کابل فردی به نام حامد یمین که گفته می‌شود فرزند یکی از نظامیان حکومت قبلی بود در نزدیکی خانه توسط افراد مسلح ناشناس به قتل رسیده است. با در نظر داشت موارد فوق این قتل‌ها همچنین ادامه دارد و به میزان کافی از روند صعودی برخوردار است.

قابل یاددہانی است که بیشتر این قتل‌های هدفمند و زنجیره‌ای در جوامع فرهنگی و قومی با توجه به خصوصیات تاریخی و زمینه‌های فرهنگی افغانستان اتفاق می‌افتد. این قتل‌ها به عنوان انتقام و یا اخراج از بین رفتن گروه‌های تروریستی یا ارتباط برقرارکردن با دولت گذشته را دارا است. قتل‌های زنجیره‌ای نیز در داخل افغانستان شامل قتل‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و روابط خانوادگی است. تاثیر این قتل‌های هدفمند و زنجیره‌ای بر جامعه افغانستان فوری و شدید است. عدم

اطمینان و اعتماد به نهادهای جدید طالبان و نحوه رفتار آنها در برخورد با اقلیات و منتقدین یکی از مهمترین نگرانی‌های است که جامعه افغانستان در حال فرار هستند. عدم تضمین حقوق بشری و پذیرش نهادهای دولتی و پذیرش قوانین و قواعد متعارف منجر با برخورد با اکثریت از جامعه می‌گردد. بدون احترام به حقوق بشر و زندگی افراد، درک حاکمیت، اخلاق و همبستگی، عدالت و تعهدات به ابعاد جامعه بین الملل همچنین در فعالیت‌های داخلی و خارجی معتبر دولت‌های دیگر شدیداً اهمیت دارد.

نتیجه‌گیری و سفارشات تحقیق

ترور هدفمند از دیرباز به عنوان یک ابزار جنگی در شرایط منازعات مسلحانه میان دولت‌های متخاصم، به کار رفته است. بسیاری از مفاهیم حقوق بین الملل متأثر از شرایط و مقتضیات جامعه بین المللی به ویژه پس از جنگ دوم جهانی تغییر یافته است و ادبیات آنها دیگرگونی شده است و حتی کاربرد برخی از آنها دوگانه و بعضاً متفاوت شده است. یکی از این موارد، تحولات مربوط به ترور هدفمند و قتل‌های زنجیره‌ای در حقوق مخاصمات مسلحانه می‌باشد. در افغانستان همچنین پس از تحکیم قدرت توسط طالبان بعد از سال 2021 این گونه قتل‌های هدفمند و زنجیره‌ای نه تنها کاهش نه یافته است بلکه در برابر مدافعین حقوق بشر، سیاست‌های حکومت قبلی، نظامیان حکومت قبل، ژورنالیستان افزایش یافته است. که این در این تحقیق به بررسی آن پرداخته شده است و بر مبنی داده‌های گردآوری شده دریافت شد که نگرانی‌های پیهم از این قتل‌ها باعث افزایش مهاجرت‌های میلیونی افغان‌ها به بیرون از کشور شده است. به همین دلیل این رفتار طالبان پس از بازگشت آنان به قدرت مورد انتقاد بسیاری از جوامع و نهادهای بین المللی شده است. در تحقیق حاضر دریافت شد که در پایتخت کشور هم بعد از سال 2021 اکثریت افرادی که در نظام قبلی همکاری نموده در امان نبوده و هدف ترور هدفمند قرار گرفته است که مثال‌های آن زیادی است ولی به گونه مثال میتوانیم از مرسل نبی زاده وکیل پارلمان دوره ریاست جمهوری داکتر غنی نام برد. پس از یافته‌های و تحلیل‌های همه جانبه به عنوان آخرین راه حل به دولت کنونی (طالبان) پیشنهاد می‌گردد که اگر برای توفیق هدف و قربانی، امکان استفاده از اقدامات نرم و غیر خشونت‌آمیز، مانند بازداشت و محاکمه و توجه به قوانین بشری صورت نه گیرد دولت با مشکلات جدی روبرو خواهد شد.

1. Amstutz, M. (2009) Targeted Killings History. *(A Radial Dialogue) in chicago public Radio*.8-25 ,
2. Cassese, A. (2007) On Some Merits of the Israeli Judgment on Targeted Killings. *J Int Criminal Justice* , .339-321
3. colonel, p., & M.Cullen. (2007) The Rule Of Targeted Killing In The Campaign Against Terror. *United States Army*.
4. Melzer, N. (2008) Targeted Killing in International Law. *United Kingdom, Oxford University Press*.
5. آهني، آ.، محمد، ظ.، & محمد جواد. (1391). قتل هدفمند، مباني متعارض در حقوق بين الملل (با تاكيد بر عمليات قتل هدفمند در ايالات متحده امريكا). *پژوهشهاي حقوق تطبيقي*, 16 (4).
6. حسيني اكبر نژاد، ه.، & حسيني اكبر نژاد، ح. (1393). ترور هدفمند: نقض اصل عدم تقابل در تعهدات بنيادين حقوق بشر و حقوق بشردوستانه. *مجله پژوهش هاي حقوقي*, 35, 242-199.
7. سرتيبي، ح.، بردبار، ا.، & موسي زاده، م. (1391). بررسي و نقد ترور هدفمند، مبارزه با تروريسم و حقوق مخاصمات مسلحانه بين المللي. *فصلنامه پژوهش حقوق عمومي*, 40-76.
8. گزارش از بي بي سي برگرفته شده از : www.bbc.com/persion/afghanistan

